

## ضرورت واکاوی ابعاد فقهی - حقوقی رخداد عاشورا

نگاهی به عاشوراشناسی: پژوهشی درباره هدف امام حسین (ع)

● دکتر رحیم نوبهار

پژوهشگر حوزوی و دانشیار دانشکده حقوق، دانشگاه شهید بهشتی / [rnobahar@gmail.com](mailto:rnobahar@gmail.com)

### چکیده

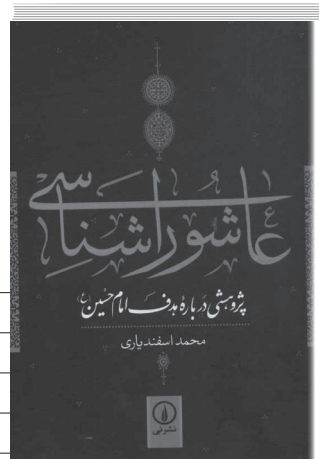
این مقاله با مروری بر کتاب عاشوراشناسی: پژوهشی درباره هدف امام حسین (ع) ضمن گزارشی کوتاه از درون مایه کتاب به چند مسئله روش‌شناسانه مهم این اثر می‌پردازد. اندیشه اصلی مقاله پیش‌رو این است که مؤلف کتاب عاشوراشناسی به نقش دوگانه تاریخ و کلام در فهم و تفسیر واقعه عاشورا پرداخته و به‌درستی بر آن تأکید کرده‌است. این مقاله با نشان دادن ضلع و زاویه دیگری از مسئله، بر ضرورت توجه همزمان به سه بُعد: تاریخ، کلام و فقه تأکید دارد. پژوهش حاضر با ارائه سیاهه‌ای از مسائل فقهی - حقوقی که در فهم عاشورا نقش دارد، نشان می‌دهد که مبانی و مسائل فقهی مربوط به عاشورا هم در گزینش یا رد نظریه‌هایی که درباره اهداف قیام امام حسین (ع) توسط عاشوراشناسان ارائه شده نقش تعیین‌کننده‌ای داشته‌است.

### کلیدواژه

عاشورا، عاشوراشناسی، تاریخ، کلام، فقه.

### مقدمه

نویسنده ارجمند کتاب عاشوراشناسی... با مروری بر هفت نظریه مطرح‌شده درباره چیستی و اهداف قیام امام حسین (ع) دلایلی که هر نظریه را تقویت یا تضعیف می‌کند برشمرده‌است و سرانجام خود شواهد موجود بر نظریه قیام برای تشکیل حکومت یا به تعبیری احیای امامت را بر نظریات دیگر، یعنی نظریه امتناع از بیعت که جنبه دفاعی دارد، نظریه شهادت عرفانی،



■ اسفندیاری، محمد. (۱۳۹۵)، عاشوراشناسی: پژوهشی دربارهٔ هدف امام حسین (ع)، تهران، نشر نی، ۳۵۰ صفحه، ۲۰۰۰۰۰ ریال.  
شابک: ۹۷۸-۹۶۶-۱۸۵-۳۴۵-۹

نظریهٔ شهادت تکلیفی، نظریهٔ شهادت فیده‌ای و نظریهٔ شهادت سیاسی ترجیح داده‌است.

کتاب عاشوراشناسی حال‌وهوای یک پژوهش علمی را دارد و تلاش می‌کند با رویکرد تحلیلی و انتقادی نظریات موجود را واکاوی کند. نشر کتاب بسیار روان و فاخر است. خوانندهٔ این کتاب، حتی مطالب نیازمند به درنگ و تأمل را در سایهٔ روانی متن به‌آسانی درمی‌یابد. حجم منابع مطالعه‌شده و حوصله به خرج داده شده در تدوین کتاب ستودنی است. کتاب نمایه‌های علمی نسبتاً مناسبی دارد؛ هرچند جای نمایهٔ آیات و احادیث ذکرشده در کتاب خالی است. عاشوراشناسی بی‌گمان در ارتقای ادبیات عاشورا سهم دارد؛ هرچند هیچ پژوهشی به‌پایان راه نمی‌رسد و هر تحقیقی فقط گامی است برای نزدیک‌تر شدن به حقیقت و پی‌بردن به لایه‌های پنهان و ناپیدای موضوع پژوهش. این مقاله با برجسته‌سازی آورده‌های عاشوراشناسی در پژوهش‌های مربوط به عاشورا به نقد اثر و طرح پیشنهادهایی برای بهبود آن در چاپ‌های بعدی می‌پردازد.

### ۱. اهمیت رویکرد روش‌شناسانهٔ عاشوراشناسی

وجه برجستهٔ کتاب عاشوراشناسی...، رویکرد روش‌شناسانه به نظریات مطرح‌شده دربارهٔ اهداف قیام امام حسین (ع) است. از چشم‌انداز روش‌شناسی، مؤلف کتاب چه‌بسا برای نخستین‌بار به نقش مهم دوگانهٔ کلام/ تاریخ در فهم رخداد عاشورا می‌پردازد.<sup>۱</sup> این نکتهٔ مهم روش‌شناسانه به این واقعیت اشاره دارد که واقعهٔ عاشورا دست‌کم در خوانش شیعیان از آن با چالش و تعارض کلام و تاریخ مواجه است. درواقع برخی مبانی

کلامی - الهیاتی شیعی مانند علم امام(ع) به غیب، عصمت امام(ع) و حتی کمال امام(ع) و این که انتخاب و تصمیم امام درباره هر رخدادی برترین و بهترین تصمیم ممکن است بر خوانش متون و واقعیت‌های تاریخی سایه افکنده است و بر این نکته مهم در سراسر کتاب تأکید شده است. چالش از آن جا پدیدار می‌شود که داوری در موارد تعارض میان این دو همواره آسان نیست. درست است که هرگاه مبانی کلامی - الهیاتی با نقل‌های صرفاً تاریخی تعارض نماید، محقق بی‌درنگ به تضعیف یا رد نقل‌های تاریخی می‌پردازد، ولی مسئله در همه موارد این اندازه روشن نیست. در بسیاری از موارد مبانی کلامی - الهیاتی می‌تواند مفسر واقعۀ عاشورا یا واقعیت‌های تاریخی مرتبط با آن باشد؛ ولی برخی از مبانی کلامی - الهیاتی خود جای مناقشه و درنگ دارد و نوع تفسیر و تعبیر ما از آن مبانی بر برداشتمان از واقعیت‌های تاریخی عاشورا اثر می‌گذارد. همچنان که چندوچون علم امام(ع) و به‌ویژه گستره و دامنه آن که متکلمان بزرگ امامی درباره آن هم‌داستان نیستند، ممکن است بر تفسیر ما از واقعیت‌های تاریخی اثر بگذارد.

## ۲. اهمیت توجه به مبانی فقهی در فهم چیستی هدف امام حسین(ع)

به‌رغم اهمیت توجه به دوگانۀ کلام/ تاریخ در فهم رخداد عاشورا واقعیت این است که دوگانۀ الهیات/ تاریخ تنها چالش موجود در تفسیر رخداد عاشورا نیست؛ بلکه این سه‌گانه الهیات/ فقه/ تاریخ است که بر این حادثه سایه افکنده است. درواقع سیاهه‌ای از مسائل فقهی هم در جریان عاشورا وجود دارد که آن‌ها نیز تحلیل چیستی عاشورا را دشوار ساخته‌اند. به‌سختی دیگر، مفسر واقعۀ عاشورا از یک‌سو با یک سلسله واقعیت‌های تاریخی روبه‌روست و ازسویی با برخی از مبانی کلامی الهیاتی به‌ویژه درباره شرایط و ویژگی‌های امام در باور شیعیان سروکار دارد و از زاویۀ سوم با برخی از مبانی و احکام مسلم فقهی در ماجرا دست‌به‌گریبان است که نمی‌توان آن‌ها را از نظر دور داشت. برای نمونه، برابر مبانی مسلم فقهی، حفظ جان واجب است و ائتلاف نفس و خود را به دام مرگ افکندن حرام است. این واقعیت که از یک‌سو حفظ جان از واجبات بنیادین شریعت است و ازسوی دیگر امام حسین(ع) جان پاک خود را فدا نموده است، برانگیزندۀ پرسش‌ها و تحلیل‌های فراوانی شده است. یکی از نظریات در ارتباط با هدف امام حسین(ع) نظریۀ شهادت تکلیفی است؛ برابر این نظر، امام حسین(ع) تکلیفی الهی و آسمانی داشته است تا جان پاک خود

فصلنامه نقدکتاب

## فقه و حقوق

سال دوم، شماره ۸  
زمستان ۱۳۹۵

۳۹

در بسیاری از موارد مبانی کلامی - الهیاتی می‌تواند مفسر واقعۀ عاشورا یا واقعیت‌های تاریخی مرتبط با آن باشد؛ ولی برخی از مبانی کلامی - الهیاتی خود جای مناقشه و درنگ دارد و نوع تفسیر و تعبیر ما از آن مبانی بر برداشتمان از واقعیت‌های تاریخی عاشورا اثر می‌گذارد. همچنان که چندوچون علم امام(ع) و به‌ویژه گستره و دامنه آن که متکلمان بزرگ امامی درباره آن هم‌داستان نیستند، ممکن است بر تفسیر ما از واقعیت‌های تاریخی اثر بگذارد.

را فدای اسلام کند. شاید این نظریه که نویسنده کتاب عاشورا شناسی... آن را شهادت تکلیفی نامیده است، بی ارتباط با این مبنای فقهی نباشد که چون حفظ جان واجب است، پس اقدام امام (ع) را باید اقدامی آسمانی و تکلیفی الهی و ویژه دانست و نتوان آن را همچون الگویی عام ارائه داد تا اقدام امام (ع) با مسئله وجوب حفظ جان سازگار باشد. همچنین برابر مبنای فقهی، اضرار به دیگران به ویژه به اهل و عیال و فرزندان خویش نارواست. اگر اضرار به غیر و اهل نارواست آیا این واقعیت که اقدام امام حسین (ع) سبب کشته شدن جمعی شده و اسارت خاندانش را در پی داشته، سبب شکل گیری نظریه های مانند شهادت تکلیفی نشده است؟ آیا چون این مسئله از مسلمات فقهی قلمداد شده سبب تفسیرهای ماورائی از قیام امام حسین (ع) نشده است؟ این در حالی است که اگر ابعاد فقهی مسئله تحمل ضرر خود و وابستگان در راه دین روشن شود، چه بسا به این نتیجه برسیم که در مواردی که پای اصل و اساس دین در میان باشد یک مسلمان باید درجه بالایی از فداکاری و ایثار را داشته باشد. به ویژه اگر کسی که دین به حمایت او نیاز دارد در شمار شخصیت هایی باشد که به دلیل برجستگی انتظار خاصی از او می رود.

به همین ترتیب ماهیت فقهی - حقوقی نهاد بیعت که از یک سو دستگاه اموی بر انجام آن تأکید داشته و از سوی دیگر امام (ع) از پذیرش آن سخت امتناع داشت، هیچ گاه به دقت واکاوی نشده است؛ این که اگر امام با یزید بیعت می فرمود آثار فقهی آن چه بود؟ اگر امام با یزید بیعت می کرد پس از آن می توانست ناشایستگی یزید را اثبات کند، یا حتی آشکارا وی را امر به معروف و نهی از منکر کند؟ اگر پاسخ به این پرسش منفی باشد - همچنان که پاسخ منفی دور به نظر نمی رسد - اهمیت نهاد بیعت از یک سو و راز استتکاف امام (ع) از بیعت از سوی دیگر روشن تر می شود. بدین سان فهم دقیق تر چرایی قیام امام (ع) با فهم ماهیت فقهی - حقوقی نهاد بیعت ارتباط پیدا می کند؛ امری که تاکنون در پژوهش های عاشورا شناسی به آن توجه شایسته ای نشده است.

مسئله ایثار و دفاع از اصل دین و امکان یا عدم امکان تقیه از دیگر مسائل فقهی مرتبط با قیام عاشورا است. آیا آن جا که پای اصل دین در میان است، مسلمانان و به ویژه رهبران دینی که رفتار آنان در جلوی چشم امت است و در تنظیم رفتار مردم بسی اثر گذارند، می توانند تقیه کنند؟ برابر موازین مسلم فقهی تقیه در جایی که اصل دین و آیین در خطر باشد، به ویژه از سوی امام که فلسفه وجودی وی بنا به فرض حفظ کیان

اگر ابعاد فقهی مسئله تحمل ضرر خود و وابستگان در راه دین روشن شود، چه بسا به این نتیجه برسیم که در مواردی که پای اصل و اساس دین در میان باشد یک مسلمان باید درجه بالایی از فداکاری و ایثار را داشته باشد. به ویژه اگر کسی که دین به حمایت او نیاز دارد در شمار شخصیت هایی باشد که به دلیل برجستگی انتظار خاصی از او می رود

اسلام است، روا نخواهد بود. اگر بر این مبنای فقهی تأکید شود ضرورتی ندارد در چرایی اقدام امام(ع) به سراغ نظریهٔ شهادت فدیهای برویم؛ بلکه در این صورت کافی است شماری از شواهد تاریخی گواهی دهند که بیعت امام(ع) مایهٔ تضعیف و محو اسلام می‌شد. در این صورت این مبنای فقهی و آن شواهد تاریخی به آسانی به فهم چیستی قیام امام(ع) کمک می‌کرد. مسئلهٔ فقهی دیگر چگونگی مقابله با دشمن و دفاع است. اگر سخن از جهاد در میان باشد، با آن که فرار از جنگ و پشت کردن به دشمن حرام است، یا در مقام دفاع، دفاع از جان و یا عرض واجب است، آیا این تکلیف همچون همهٔ تکالیف مشروط به قدرت نیست؟ چرا امام(ع) با شمارگان کم با دشمنی انبوه جنگیده است و سر تسلیم در برابر آنان فرود نیاورده است؟ کسانی چون سیدمرتضی این مسئله را دقیقاً طرح و دربارهٔ آن سخن می‌گویند. سیدمرتضی در توجیه این امر گفته است: «اما این که امام با عده‌ای اندک به جنگ با بسیاری پرداخت، پیش‌تر گفتیم که آن حضرت از سر ضرورت به جنگ کشیده شد و دین و دورانیشی نیز توأمان در آن هنگام جز این اقتضا نمی‌کرد (اسفندیاری، ۱۳۹۵: ۲۹۳).

بهر حال، خوانش درست و دقیق رخداد عاشورا بدون توجه به این مسائل فقهی که سیاههٔ آن از مواردی که بدان‌ها اشاره شد بلندتر است، دشوار خواهد بود.

### ۳. جایگاه نظریهٔ امتناع از بیعت در میان نظریات هفت‌گانه درباره چرایی قیام امام حسین(ع)

کتاب عاشوراشناسی... در جرح و تعدیل نظریات مطرح شده پیرامون هدف امام حسین(ع) به نظریهٔ امتناع از بیعت چنان که باید ارج و بها نداده است؛ حال آن که این نظریه بسیار مهم به نظر می‌رسد. از یک سو امتناع از بیعت نه چنان است که نویسندهٔ کتاب عنوان کرده است؛ امتناع از بیعت نه محافظه کارانه و غیرفعال است و نه غیرسیاسی. محافظه کارانه نیست؛ زیرا بیعت امام حسین(ع) آن قدر برای حکومت اموی اهمیت داشت که از ابتدا در پی تحمیل آن به امام حسین(ع) بود. حکومت اموی به مهر و تأیید امام حسین(ع) بسی نیازمند بود. به همین دلیل در وصیت معاویه به یزید هم بر آن تأکید شده بود و یزید هم سخت در پی آن بود. حتی برابر گزارش‌های تاریخی که در خود کتاب هم بازگو شده است، آن گونه که در پاسخ امام(ع) به عبدالله بن عمر آمده است و شواهد فراوان دیگر هم آن را تأیید می‌کند، برای امام(ع) دو راه بیشتر نگذاشته بودند: یا

اگر سخن از جهاد در میان باشد، با آن که فرار از جنگ و پشت کردن به دشمن حرام است، یا در مقام دفاع، دفاع از جان و یا عرض واجب است، آیا این تکلیف همچون همهٔ تکالیف مشروط به قدرت نیست؟ چرا امام(ع) با شمارگان کم با دشمنی انبوه جنگیده است و سر تسلیم در برابر آنان فرود نیاورده است؟

کشته شدن یا بیعت اکراهی: «ان القوم لا یتروننی فلا یزالون حتی أبايع و أنا کاره أو فيقتلوننی» (همان: ۲۰۸).

مسئله‌ای به این درجه از اهمیت را نمی‌توان غیرسیاسی قلمداد کرد. افزون بر این، بیعت تحمیلی آن‌قدر ناپسند بود و هست که می‌تواند و توانست سرنوشت سیاسی جهان اسلام را دگرگون کند. به همین سبب پرهیز از ولایت‌عهدی یکی از بندهای صلح امام حسن (ع) با معاویه بود. این نشانه آن است که پرهیز از بیعت تحمیلی خط قرمز هر دو سبط پیامبر (ص) بود. این که ترک بیعت در نظریات دیگر مانند تشکیل حکومت یا شهادت هم وجود دارد نباید سبب شود این واقعیت مهم را نادیده بگیریم که امام (ع) بسته به شرایط از هر چیزی عدول می‌فرمود؛ اما به بیعت تحمیلی با یزید تن در نمی‌داد. آن حضرت برای امتناع از بیعت، مدینه را به سوی مکه ترک کرد. برای حفظ جاننش یا حفظ حرمت حرم یا هر دو، مکه را ترک فرمود؛ پس از مواجهه با سپاه حر، نه تنها حاضر بود؛ بلکه اصرار داشت مسیر و آهنگ خود را تغییر دهد؛ اما بیعت تحمیلی گویی خط قرمز امام (ع) بود و هرگز از آن کوتاه نیامد و درباره آن، تغییر رأی نداد. امام (ع) در پی دعوت کوفیان برای برپایی نظام امامت بدان سوی شتافت؛ اما وقتی زمینه را مساعد نیافت به آسانی از آن دست کشید؛ اما به امتناع از بیعت در هر شرایطی سخت پای‌بند بود تا آن‌جا که جان پاکش را در این راه داد. امتناع امام (ع) از بیعت را می‌توان برای تثبیت نقش همیشگی مردم در برپایی حکومت دینی قلمداد کرد. اگر امام (ع) بیعت اجباری را تقریر و تثبیت می‌کرد نظریه حکومت رعب و وحشت و همراه با فشار و تهدید صورت شرعی می‌گرفت. این فساد و تباهی بزرگی برای امت اسلام بود و امام (ع) هرگز حاضر نبود در تقریر و امضای چنین رویه ویرانگری نقش داشته باشد.

#### ۴. بیعت تحمیلی به مثابه خط قرمز امام حسین (ع)

بیعت تحمیلی به دو اعتبار خط قرمز امام (ع) بود؛ از یک سو نهادینه کردن این بنیاد سوء توسط امام (ع) و مهر تأییدزدن بر آن، هرگز به مصلحت اسلام و مسلمانان در آن زمان و هر زمان دیگر نبود. این به معنای نهادینه کردن استبداد دینی و مهر ابطال به مردم سالاری در اندیشه دینی بود. از سوی دیگر، پذیرش این بیعت، نفی کرامت و عرض شخصی امام (ع) به شمار می‌رفت. پس نظریه امتناع از بیعت آن‌گونه که نویسنده کتاب یاد کرده است تنها برای حفظ جان نبوده است. دور نیست که بگوییم امام (ع)

فصلنامه نقد کتاب

نقد و مفاصل

سال دوم، شماره ۸  
زمستان ۱۳۹۵

۴۲

بیعت تحمیلی به دو اعتبار خط قرمز امام (ع) بود؛ از یک سو نهادینه کردن این بنیاد سوء توسط امام (ع) و مهر تأییدزدن بر آن، هرگز به مصلحت اسلام و مسلمانان در آن زمان و هر زمان دیگر نبود. این به معنای نهادینه کردن استبداد دینی و مهر ابطال به مردم سالاری در اندیشه دینی بود. از سوی دیگر، پذیرش این بیعت، نفی کرامت و عرض شخصی امام (ع) به شمار می‌رفت

نکته دیگری که جا داشت و دارد که همچنان بیشتر به آن پرداخته شود، تبیین اهداف مرحله‌ای امام(ع) در شرایط گوناگون است. مطالعه وقایع گوناگون مربوط به یک رخداد براساس ترتیب زمانی بسیار سودمند و راهگشاست. عاشوراشناسی البته گام‌های خوبی در این باره برداشته است، اما این گام‌ها را باید تکمیل کرد

در تزاخم میان حفظ جان و حفظ عرض و کرامت خویش، حفاظت از دومی را بر اولی ترجیح داد. عرض و کرامت انسان همچون جان او شایسته دفاع است. محقق نجفی در مبحث دفاع مشروع حتی از تقدم عرض بر جان در نظر مردمان بلندطبع سخن می‌گوید.<sup>۲</sup> در واقعیت بیرونی بسیاری از مردم دست کم در شرایطی، عرض و آبرو را بر جان مقدم می‌دارند. دلیل روشنی در اختیار نداریم که گواهی دهد برابر آموزه‌های اسلامی، حفظ جان در هر حال بر حفظ عرض و آبرو تقدم دارد. امام حسین(ع) با آن که امام بود همزمان انسانی بود که باید از عرض و کرامت سیاسی - اجتماعی خویش هم دفاع می‌کرد. او به‌عنوان امام و الگو این را هم می‌باید به مسلمانان بیاموزد و روشن سازد که دفاع از عرض و کرامت بهایی دارد که باید آن را پرداخت. کرامت و عرض آن قدر بها دارد که برای آن بها پرداخت. این بها در مواردی ممکن است جان باشد. به دلیل اهمیت حفظ عرض و کرامت بود که امام(ع) حتی پیشنهادهایی مانند پناه‌بردن به کوهستان‌ها و مناطق دوردست یا فرار کردن به غارها را نمی‌پذیرفت؛ این گزینه که توسط برخی از خیرخواهان پیشنهاد می‌شد شاید جان امام(ع) را حفظ می‌کرد؛ اما آبرو، عرض و کرامت وی را به باد می‌داد. به‌رغم ارج و منزلت ایثار و از خودگذشتگی برای دین و دینداری گمان نمی‌رود که دین و مبانی دینی به ما اجازه دهد خود و کرامت انسانی خود را نادیده انگاریم. برابر مبانی دینی که برخی فقیهان آشکارا آن را می‌پذیرند، اگر کسی در بیابان به آبی برای وضو نیاز داشته باشد و دیگری حاضر است آب را با منت در اختیار او قرار دهد، لازم نیست قبول کند. این به‌معنای آن است که در فرایند دینداری کرامت و حرمت پیروان دین هم باید حفظ شود.

مسئله عزت از وجوه گوناگون در متون مربوط به عاشورا آمده است. در گفتارهای نقل شده از امام حسین(ع) بر آن تأکید شده است. امام حسین(ع) خود برابر نقل فرموده است:

ألا و إن الدعی ابن الدعی قد رکنی بین السلة و الذلة و هیهات من الذلة.

نیز بنا بر نقل فرموده است:

لا والله لا أفر فرار العبيد و لا أعطیکم إعطاء الذلیل.

دانشورانی که درباره چرایی اقدام امام حسین(ع) سخن گفته‌اند نیز پیوسته از اهمیت عزت و حفظ عرض و آبرو سخن به‌میان آورده‌اند. فضل بن حسن طبرسی (د. ۵۴۸) گفته است: «اگر بر ما خرده بگیرند که چرا امام حسین(ع) یک‌تنه جنگید، پاسخ این است که اقدام او دو احتمال دارد:

نخست این که گمان می‌کرد که او را به سبب جایگاهش نزد پیامبر (ص) خواهند کشت. دوم این که گمان می‌کرد اگر هم از جنگ با ایشان دست بردارد، ابن‌زیاد ملعون او را با شکنجه خواهد کشت، همان‌گونه که با پسرعمویش، مسلم چنان کرد؛ بنابراین کشته‌شدن با عزت نفس و در جهاد برایش گواراتر بود» (همان: ۳۰۱).

می‌بینیم که نگاه طبرسی به مسئله کاملاً فقهی است. در فقه در مباحث اکراه این مسئله مطرح است که هرگاه کسی دیگری را به کشتن خود اکراه کند به این‌گونه که اگر او خود را نکشد، مکره وی را با زجر و شکنجه خواهد کشت، به نظر برخی اقدام به قتل ساده و عادی خود در این فرض جایز است. طبرسی کوشیده با لحاظ این مسئله فقهی شهادت امام حسین (ع) را به تهدید به قتل همراه با شکنجه و ذلت تفسیر و تعبیر کند. ذلت عنصری است که به قتل همراه با شکنجه افزوده‌است و می‌تواند قتل را فجیع‌تر و قبیح‌تر کند.

برخی دیگر از متقدمان در واکاوی چرایی اقدام امام حسین (ع) این مسئله را به‌گونه‌ای دیگر مدنظر داشته‌اند. برای نمونه سیدمرتضی می‌گوید: «اگر گفته شود عذر امام (ع) در رفتنش با خانواده از مکه به کوفه چه بود؟...» (همان: ۲۸۷).

این‌گونه طرح سؤال به معنای دغدغه‌مندی نسبت به مسئله‌ای فقهی است که با اقدام امام (ع) ارتباط دارد.

### ۵. اهداف مرحله‌ای و موقعیت - محور امام حسین (ع)

نکته دیگری که جا داشت و دارد که همچنان بیشتر به آن پرداخته شود، تبیین اهداف مرحله‌ای امام (ع) در شرایط گوناگون است. مطالعه وقایع گوناگون مربوط به یک رخداد براساس ترتیب زمانی<sup>۲</sup> بسیار سودمند و راهگشاست. عاشوراشناسی البته گام‌های خوبی در این باره برداشته‌است، اما این گام‌ها را باید تکمیل کرد. در این‌گونه مطالعه پرسش‌هایی بسیار مهم می‌شود. برای نمونه این که امام (ع) در مدینه و آن‌گاه که از وی درخواست بیعت شد شبانه مدینه را به سوی مکه ترک گفت، در همان زمان چه هدفی داشت؟ در مکه و در زمانی که امام (ع) هنوز نامه‌های کوفیان را دریافت نکرده بود برنامه و طرح امام (ع) چه بود؟ زمان ترک مکه هدف امام (ع) دقیقاً چه بود؟ آیا صرفاً حفظ جان خویش و یا حفظ حرمت حرم را داشت یا تنها آهنگ پاسخ مثبت گفتن به نامه‌های کوفیان را؟ طرح و برنامه امام پس از دریافت خبر شهادت مسلم و نیز پس از

واقعیت این است که اصل اولی صلح و پرهیز از خشونت در هر شرایطی است. این اقدام به جنگ و دفاع است که نیاز به توجیه دارد. قدر و منزلت اصل صلح متأسفانه ناشناخته‌است. صلح که قرآن مجید آن را اصلی عام قلمداد کرده‌است، اغلب به صلح در روابط شخصی و خصوصی فروکاسته شده‌است. از منظر انسانی و اسلامی قدر این اصل بنیادین را نباید نادیده گرفت



روپارویی با سپاه خُر چه بود؟ خطبه‌های روز عاشورا مبنی به فراخواندن مردم به ترک جنگ یا حتی تلاش برای مذاکره با عمر بن سعد در شب عاشورا به چه منظوری بود؟ پاسخ دقیق به این سؤال‌ها البته متوقف بر تحقیقات تاریخی دقیق است. پژوهش‌هایی که برای آن‌ها باید ماه‌ها وقت صرف کرد. مؤلف کتاب کوشیده‌است به این وادی نزدیک شود؛ اما برای رسیدن به پاسخ‌های نسبتاً اطمینان‌آور به پرسش‌های پیش‌گفته به پیمودن راه‌های سخت و پرسنگلاخی نیاز است؛ به‌ویژه این که مؤلف خود از امام(ع) نقل کرده‌اند که: [لله الامر و کل يوم ربنا فی شأن] (همان: ۱۸۵).

فصلنامه نقدکتاب

**فقه و حقوق**

سال دوم، شماره ۸  
زمستان ۱۳۹۵

۴۵

#### ۶. ارتباط نظریه قیام امام(ع) برای حکومت اسلامی با نظریه فقهی ولایت فقیه در اداره امور عمومی

از برخی عبارت‌های کتاب چنین برمی‌آید که هرکس قیام امام(ع) را به تلاش آن حضرت برای برپایی حکومت تفسیر و تعبیر کند با تشکیل حکومت اسلامی در زمان غیبت هم موافق است؛ حال آن که این دو امر با یکدیگر ملازمه ندارند. فقیهانی که ولایت فقیه در اداره امور عمومی را نپذیرفته‌اند و دامنه اختیارات او را به امور حسبیه یا امور حسبه و قضا محدود کرده‌اند هرگز بر آن نبوده‌اند که امام(ع) حق یا وظیفه برپایی حکومت عدل را ندارد. در واقع اثبات این که فقیه هم همچون امام معصوم(ع) می‌تواند یا باید برای برپایی حکومت اسلامی تلاش کند در هر حال به ادله خاص خود نیازمند است و تنها اقدام امام حسین(ع) و یا دیگر امامان(ع) نمی‌تواند دلیل بر این امر باشد. به همین ترتیب تلاش برای نشان دادن چهره‌ای صلح‌طلبانه از امام حسین(ع) نشان انفعال نیست؛ واقعیت این است که اصل اولی صلح و پرهیز از خشونت در هر شرایطی است. این اقدام به جنگ و دفاع است که نیاز به توجیه دارد. قدر و منزلت اصل صلح متأسفانه ناشناخته‌است. صلح که قرآن مجید آن را اصلی عام قلمداد کرده‌است، اغلب به صلح در روابط شخصی و خصوصی فروکاسته شده‌است. از منظر انسانی و اسلامی قدر این اصل بنیادین را نباید نادیده گرفت.

#### ۷. اهمیت ارزیابی انتقادی و سندی گزارش‌های تاریخی عاشورا

باری توجه به سه‌گانه تاریخ/ کلام/ فقه گزارش‌های تاریخی را از دو منظر بااهمیت می‌سازد؛ هم از آن رو که گزارش‌های تاریخی‌اند و هم این که باید

آن‌ها را از منظر الهیاتی و فقهی هم ارزیابی کرد. با این حال عاشوراشناسی با نقل‌ها و روایت‌هایی که پشتوانه آرا و نظریات گوناگون است یکسان برخورد می‌کند و به لحاظ اعتبار سندی به همه آن‌ها اعتباری یکسان می‌دهد. درست است که در مقام احتجاج با صاحبان نظریات مختلف می‌توان دیدگاه‌های آنان را مفروض گرفت و با آنان استدلال کرد، اما داوری نهایی درباره آن چه مؤلف آن را اهداف درجه دوم امام (ع) نامیده است از جرح و تعدیل‌های سندی بی‌نیاز نیست. در واقع هراندازه در کتاب شهید جاوید که مؤلف آن نیز از نظریه قیام امام (ع) برای برپایی حکومت اسلامی دفاع کرده به جرح و تعدیل‌های سندی بها داده شده است در کتاب عاشوراشناسی... به ندرت به داوری درباره اسناد و متون برخورد می‌کنیم. حال آن که تقویت هر نظریه‌ای درباره هدف یا اهداف امام حسین (ع) به ویژه آن گاه که بناست واقعیت‌های تاریخی ملاک داوری قرار گیرد، بدون این واکاوی ممکن نیست.

باری کاستی‌های پیش‌گفته هرگز از ارج و منزلت اثری که پژوهش‌های عاشوراشناسی را ارتقا بخشیده است نمی‌کاهد. با شناختی که از مؤلف ارجمند و فاضل کتاب عاشوراشناسی... دارم، بی‌شک چاپ‌های بعدی کتاب به مراتب کامل‌تر از چاپ کنونی خواهد بود.

### پی‌نوشت

- هرچند که نویسنده محترم مطالعه تاریخی را برون‌دینی و مطالعه کلامی را درون‌دینی قلمداد کرده، اما با مسامحه همراه است. مطالعه تاریخی زمانی برون‌دینی تلقی می‌شود که پیش‌فرض‌ها و مبانی دینی در جریان این‌گونه مطالعه لحاظ نشوند. مطالعه درون‌دینی و برون‌دینی اعم از مطالعه کلامی یا تاریخی است.
- و لا ریب فی اُهمیة العرض من النفس عند ذوی النفوس الایبۃ (نجفی، ۱۹۶۱: ۴۱، ۶۵۵)

### 3. Chronological

### منابع

- اسفندیاری، محمد. (۱۳۹۵)، عاشوراشناسی: پژوهشی درباره هدف امام حسین (ع)، تهران، نشر نی.
- نجفی، محمدحسن. (۱۹۶۱)، جواهر الکلام، بیروت، دار احیاء التراث العربی.